

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۱۶ اکتوبر ۲۰۱۹

مرجان کمال

## تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت بیست و چهارم

هر آنچه هستت می کنم

گفتی که مستت می کنم

گفتی که تا گفتی خوداً

گفتم چگونه از کجا؟

بر هجر پایانت دهم

گفتی که درمانت دهم

گفتی صبوری باید این

گفتم کجا، کی خواهد این؟



به ادامه گذشته:

زمانی که در سال 2002 میلادی طالبان در منطقه فراسرحدی قبیای عقب نشینی نمودند، جنبش به مرحله اول ترکیب دوباره خود پرداخت. و برای نفوذ نمودن در داخل قلمرو افغانستان، ساختن پایگاه و یا نقاط برای استعمال حملات و فهرست فعالیت های خود را ترتیب دادند، و در سال 2003 میلادی به فعالیت های دوباره خشونت آمیز شروع نمودند.

و به این ترتیب به مرحله دوم داخل گردیدند که این مرحله شامل وسعت دادن حملات آن‌ها بالای تمامی قلمرو و به صورت دوامدار می‌باشد.

این ائتلاف نو بین بازیگران، سبب تشکیل ستراتیژی جنگ‌های چریکی آشوبگرانه، در داخل قلمرو گردیده، که هدف آن به ستوه آوردن و ذله کردن قوای دشمن با حمله‌های مکرر هدفمند که منطبق به جا گذاشتن افزایش خشونت‌ها را همراهی می‌نمود.

بالاخره به تدریج اغتشاش در داخل کشور بین سال‌های 2002 - 2008 میلادی توسعه یافته و گروپ‌های مسلح محلی بسیج گردیدند و وسیله بی‌ثباتی دوامدار اقتدار شدند.

به این ترتیب شبکه گروپ‌های مسلح اغتشاشی در یک قسمت بزرگ خاک افغانستان حضور داشته، و کم و بیش به دور ساختارهای سیاسی - نظامی (تنظیم‌ها) میراث جهاد علیه شوروی‌ها ارتباط می‌گیرند.

تهداب اجتماعی این‌ها اخیر الذکرها فوق العاده متنوع و به شرایط و موقعیت‌های مختلف اجتماعی - سیاسی به ارتباط شبکه که در آن جا گرفته اند، ارتباط دارند. با این همه، تمامی جنگجویان یک هدف و منظور مشترک دارند که به دور جهاد، دفاع از ملت و کشور علیه نظامیان خارجی کافر می‌باشد.

فلهذا مؤثریت شان ارتباط دارد به موجودیت شبکه‌های اجتماعی، گروپ‌های همبستگی، داشتن جاها و موقعیت‌ها در محلات مختلف و داشتن قدرت برای انجام دادن اعمال مخفیانه، از برکت موجودیت سمبول‌های مخفی (رمز و نشانی) که در بین شان موجود می‌باشد، و باید علاوه نمود که سمبول‌های مخفی (رمز و نشانی) در بین تمام اقوام و اجتماع افغانستان معمول است. رول شبکه‌های اجتماعی برای آسانی بسیج نمودن دسته جمعی بسیار مهم، و ساختن آن را ممکن می‌سازد.

از طرف دیگر شبکه‌های اجتماعی باعث تبادل معلومات گردیده، احساس همبستگی، داشتن تعلق به گروه و انتقال و دسترسی به منابع مالی و دیگر امکانات را تسهیل می‌بخشد.

تقسیم بندی جغرافیایی:

تحلیل و انالیز اولین نفوذ شورشیان بالای خاک کشور به ما اجازه می‌دهد تا متوجه استفاده از انواع مختلف شبکه‌های بسیج شده، گردیم.

دو نوع شبکه اساسی: یکی شبکه‌های مدارس دیوبندی و دیگر آن همانا شبکه‌های جهادی میراث جهاد علیه شوروی‌ها می‌باشند.

مگر ترکیب تحریک طالبان یک تحول چشمگیر و بارز به نفع جذب شدگان نو که شاگردان مربوط به مدارس دیوبندی می‌باشند. که پیامد‌های آن بالای طبیعت هویتی جنبش اهمیت زیاد دارد.

اولین فعالیت‌های شورشیان در افغانستان در ولایات هم سرحد با پاکستان از مناطق بلوچستان و ولایت سرحدی شمال - غرب به وقوع پیوست. این قلمرو برای شورشیان نشان دهنده یک چانس فوق العاده مهم از یک طرف برای امنیت شان می‌باشد و از طرف دیگر این پایگاه‌های عقب نشینی جهت تهیه و تأمین لوازم و ضروریات اهمیت زیاد دارد. به صورت بسیار سریع تعدد پایگاه‌ها در داخل کشور و در محلات تازه ایجاد شده و به حیث نقطه اتکاء برای وسعت دادن دوامدار شورشیان در بین سال‌های 2003 - 2008 میلادی استفاده گردید.

بدون موجودیت این پایگاه ها، فعالیت های شورشیان ناچیز و بی اهمیت و تنها محدود و منحصر به مناطق فراسرحدی باقی مانده، و بدون نتیجه بالای بی ثباتی دوامدار در داخل قلمرو کشور می بود.

تحلیل ستراتیژی وسعت یافتن اغتشاش به ما اجازه می دهد تا یک تعریف عمومی از چگونگی نفوذ نمودن شورشیان در مکان های مختلف سیاسی و اجتماعی در افغانستان داشته باشیم.

این توسعه به دو مرحله کاملاً مشخص انجام داده شده است.

مرحله اولی ساختن اماکن مقدس مانند زیارت و عبادت گاه ها در مناطقی نزدیک به سرحد پاکستان.

مرحله دومی ارتباط می گیرد با نفوذ نمودن در پایگاه های ساخته شده دورتر از سرحد.

در هر قدم از این مکان ها، عوامل تأسیس این پایگاه ها متنوع می باشند، لکن به صورت عمومی مُودل نفوذ نمودن شورشیان از یک دینامیک پیروی می کند. یعنی اعضای جنبش طالبان یا از مکان های موجوده که قبلاً در زمان جنگ های جهادی تنظیم ها ساخته شده بود استفاده می کنند و یا در جاه هایی که این ساختار ها وجود نداشته باشد، مثل که قبلاً گفته شد به ساختن زیارت ها و یا عبادت گاه ها پرداخته و فعالیت های چریکی خود را از آن جا ها آغاز می کنند. ستراتیژی جنگجویان یا ملیشه ها دلالت می کند بر این که در ابتدا یک محل را مشخص و بعداً آن را به پایگاه حمایتی مصون و امن تبدیل نموده و بعداً مخالفین شان را که قوای امنیتی دولت می باشد با خراب ساختن روحیه شان آن ها را پراکنده و متفرق می سازند.

این ها همه نشان دهنده این است که شورشیان از حمایت غیر فعال یک قسمت از مردم، یا از ترس خشونت مسلحانه شورشیان و یا با پیشنهاد بعضی مزیت ها و کمک ها، مستفید می گردند.

زیربنا های تشکیلاتی شورشیان در سرحد پاکستان اتکاء می کند بالای ساختار ها که در نقاط و محلات مختلف افغانستان طرح نموده اند و تقریباً اکثریت ولایات افغانستان را در بر می گیرد. این پیشرفت در داخل قلمرو افغانستان به صورت یک بافت ذره به ذره و به چندین مرحله از پایگاه اصلی شان که توسط رهبر طالبان و متحدین شان، حزب اسلامی جلال الدین حقانی به راه انداخته شده، پیش برده می شود، و در مرحله دوم شورشیان از شبکه های حزب اسلامی گلبدین حکمتیار استفاده می نمایند. این شبکه ها به کمک دینامیک سیاسی و اجتماعی محلات ساخته شده است. از سال 2002 میلادی تحریک طالبان افغان یک ائتلاف بسیار وسیع با احزاب دیگر به دور هم جمع نمودند و حضور نظامیان خارجی در افغانستان را دلیل مشروعیت دادن به راه اندازی یک جهاد نو در مقابل دولت افغانستان ابراز کردند.

ادامه دارد